

تحلیلی بر فرهنگ شهروندی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: استان لرستان)

ولی بهرامی،^۱ محسن نیازی،^۲ سیدمحسن موسوی،^۳ مهران سهراب‌زاده^۴

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۰)

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل فرهنگ شهروندی افراد ۱۸ تا ۶۵ سال در استان لرستان و عوامل مؤثر بر آن است. پرسش اصلی این است که وضعیت فرهنگ شهروندی در استان لرستان چگونه است و عوامل مؤثر بر آن کدام‌اند. پژوهش حاضر از نظر روش کمی و از دیدگاه جهت پژوهش کاربردی است که با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. حجم نمونه ۸۵۲ نفر برآورد شده و شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بوده است، به طوری که پس از رعایت مراحل نمونه‌گیری از شش شهرستان خرم‌آباد، بروجرد، الیگودرز، کوهدشت، الشتر و پلدختر، از هر شهرستان یک شهر و دو روستا متناسب با حجم جمعیت، انتخاب شدند. در پژوهش حاضر، از رویکرد جمهوری‌گرایی (مدنی و جدید) و تلفیقی از نظریه‌های مارشال، ترنر، جانوسکی و روئستاین استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمره شاخص فرهنگ شهروندی برابر با ۱۰۸/۰۷ از ۱۴۱ است که مقدار آن نسبتاً بالاست. نتایج پژوهش نشان داد که هرچند برحسب خاستگاه زندگی شهروندان (روستا، عشیره و شهر)، تفاوت معناداری در فرهنگ شهروندی وجود دارد، میانگین نمرات فرهنگ شهروندی در میان زنان و

۱. دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران و مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان آیت‌الله کمالوند خرم‌آباد
(نویسنده مسئول)
bahrami1171@gmail.com

Niazim@kashanu.ac.ir

m.mousavi@yazd.ac.ir

Ms3102002@yahoo.com

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

۳. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

۴. دانشیار جامعه‌شناسی کاشان

مردان تفاوت معناداری نشان نداد. بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی با فرهنگ شهروندی نیز رابطه معناداری وجود نداشت. نتایج اجرای آزمون هم‌بستگی پیرسون، وجود رابطه مثبت و قوی متغیر هویت اجتماعی، رابطه مثبت و متوسط متغیرهای احساس امنیت اقتصادی، اعتماد اجتماعی و گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای و رابطه مثبت و ضعیف متغیر پنداشت از عملکرد نظام سیاسی را با فرهنگ شهروندی تأیید کرد. نتایج الگوی معادلات ساختاری نیز نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای پیش‌گفته می‌توانند ۵۳ درصد از واریانس کلی متغیر وابسته فرهنگ شهروندی را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: فرهنگ شهروندی، هویت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای.

مقدمه و بیان مسئله

شهروندی^۱ به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی از ویژگی‌های مهم نظام‌های دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای مدرن بودن جامعه به حساب می‌آید، چنان‌که دولت‌ها برای تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی خود موضوع شهروندی را در اولویت قرار داده‌اند. شهروندی مقوله‌ای جدا از فرهنگ شهروندی نیست. از این‌رو، برای داشتن شهروند فعال، باید مؤلفه‌ها و معنای شهروندی از فرهنگ شهروندان برخاسته باشد. فرهنگ شهروندی به‌وسیله جامعه بر ساخت می‌شود و در بستر زمان تغییر می‌کند و بین سنت و مدرنیته (گذشته و آینده) وحدت ایجاد می‌کند (محکی، ۱۳۹۳؛ فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۷). تاریخ‌مند بودن فرهنگ شهروندی نشان می‌دهد که این مفهوم در مسیر تحول تاریخی خود، راه پرفراز و فرودی را سپری کرده است؛ چنان‌که در ایران نیز بیش از یک سده است که مبارزه برای احقاق حقوق شهروندی ادامه دارد و فرآیند تبدیل امت به ملت و رعیت به شهروند با فراز و نشیب‌های فراوانی روبه‌رو شده است (مالجو، ۱۳۸۱: ۳۴).

پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که اولاً، مسئله شهروندی و رعایت‌نشدن اصول آن از جمله مشکلات اساسی کشور ایران است و ثانیاً، مردم کشور ما آگاهی زیادی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی خود ندارند. فرهنگ شهروندی و به تبع آن، اخلاق شهروندی، وضعیت خوبی ندارد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۲۶) و هنوز شاهد بحران‌های فرهنگی و اجتماعی در شهرهای مختلف ایران هستیم. شواهد متعددی مبنی بر ضعف نسبی شهروندی، به‌خصوص در زمینه مسئولیت‌پذیری و مشارکت شهروندان در چندوچون دریافت حقوق شهروندی (شیانی، ۱۳۸۲؛ یوسفی و عظیمی

هاشمی، ۱۳۸۷؛ غیاثوند، ۱۳۹۰)، شهروندی اجتماعی منفعل (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳؛ وصالی و موسوی، ۱۳۹۵)، مشارکت اجتماعی اندک شهروندان به‌خصوص در عرصه‌های رسمی و عمومی (موسوی، ۱۳۹۱؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی حداقلی به‌معنای صرفاً رأی‌دادن (جلائی‌پور، ۱۳۹۲)، بالابودن سطح بی‌اعتنایی اجتماعی، فردگرایی خودمدارانه و نداشتن التزام مدنی (محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰؛ غفاری و حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۳)، و ناچیزبودن وقتی که ایرانیان صرف فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه می‌کنند (به‌طور متوسط دو دقیقه در شبانه‌روز، طبق گزارش مرکز آمار ایران در بهار ۱۳۹۴)، وجود دارد.

این بحران‌های فرهنگی و اجتماعی در شهرهای استان لرستان نیز دیده می‌شود. واقعیت‌های تاریخی نشان‌دهنده وجود ارزش‌ها و باورهای نوع‌دوستی، خیرخواهی، صلح‌دوستی، مهمان‌نوازی، روحیه هم‌کاری، هم‌دلی و... در استان لرستان است. ماهیت درهم‌تنیده مناسبات اجتماعی قومی-طایفه‌ای، دودمانی و خویشاوندی در میان مردم لرستان نشان می‌دهد که آنها باورها و معانی عمیق چند هزارساله خود را در زندگی اجتماعی و تعاملات خود به‌درستی می‌فهمیدند. بنابراین، باورها و زیست‌جهان خود را حول جهان هستی، زندگی، کار و معیشت شکل می‌دادند و اجزای این زیست‌جهان در زمان و مکان‌های مختلف هم‌خوانی و هم‌نوازی داشت. در این فرهنگ، باورها و اعتقادات، زبان شفاهی، ترانه‌ها، لالایی‌ها، اسطوره‌ها، فرهنگ کار، اوراد و ادعیه‌ها در هماهنگی عجیبی با هم پیوند یافته‌اند که نشان‌دهنده ارتباطات عمیق معنوی و مادی انسان‌های این جامعه است. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، آداب‌ورسوم و سنت‌ها (عروسی و عزا)، احترام به بزرگ‌ترها و نقش نظام ریش‌سفیدی و کدخدامنشی در حل اختلافات، وفاداری و احترام به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نشان می‌دهد که در گذشته تاریخی این جامعه می‌توان رگه‌هایی از فرهنگ شهروندی را دید که سبب تمایز آن از استان‌های دیگر می‌شود. این عوامل در جامعه سنتی کارکرد داشته است، اما با گذار جامعه سنتی به جامعه مدرن و تغییرات ناشی از آن، همین افراد تمایل کمتری به هم‌کاری و مشارکت با نهادهای مدرن و احترام‌گذاشتن به قوانین دارند. به‌نظر می‌رسد جامعه کنونی به فرهنگ شهروندی کمتر تن می‌دهد و آن را با مشکل مواجه کرده است. در مواجهه عناصر مدرن با جامعه مستقر کنونی لرستان، تغییرات زیادی در ساختار اجتماعی ایلی ایجاد شده است. عرصه‌های سنتی و غیررسمی نیز در کنار عرصه‌های مدرن (به‌خصوص در ارتباط با نهادهای دولتی) شکل خاصی به خود گرفته‌اند. این امر بررسی مسئله فرهنگ شهروندی را پیچیده کرده است. مسائلی از قبیل بیکاری گسترده و فزاینده و فرارگرفتن لرستان در رده سوم بیکاری کشور (مرادی و عارفیان، ۱۳۹۴: ۱۷)، میزان پایین تحمل و مدارای اجتماعی (ترکارانی، ۱۳۸۸:

۱۸)، پنداشت منفی بیشتر مردم درباره ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری منفی در لرستان (۶۳/۳ درصد) نسبت به شاخص کشوری (۶۰/۶ درصد) (غفاری، ۱۳۹۳)، میزان مشارکت اندک اجتماعی در عرصه رسمی (عبدی‌پور و حق‌ندری، ۱۳۹۵)، و وجود مشارکت‌های عمدتاً صوری بدون همراهی واقعی و هدفمند، مهم‌ترین مسائل اجتماعی لرستان در حوزه شهروندی است (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱: ۳۶؛ نیازی، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

لرستان جامعه‌ای با پیشینه قوی نظام ایلی است که با وجود مواجهه صدساله با توسعه، هنوز پیوندهای طایفه‌ای، قبیله‌ای و خویشاوندی تا حدود زیادی بر آن غلبه دارد (ترکرانی، ۱۳۹۳). قوم‌گرایی و هویت قومی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای ایجاد تعلق بین‌گروهی در استان لرستان است؛ چنان‌که وضعیت متغیرهای قوم‌مداری، احساس تعهد قومی، افتخار به هویت طایفه‌ای، خاص‌گرایی، و جمع‌گرایی در استان لرستان از میانگین کشوری بالاتر است (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۳). این امر سبب تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی - خانواده، اقوام نزدیک، دوستان و آشنایان - شده است. از سوی دیگر، هرچند سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در لرستان به دلیل غلبه طایفه‌گرایی بالاست، تحقیقات نشان می‌دهد که این استان به لحاظ سرمایه اجتماعی وضعیت مطلوبی ندارد (غفاری، ۱۳۹۳؛ فطرس و بهشتی‌فر، ۱۳۸۵؛ شعبانی و سلیمانی، ۱۳۸۷؛ صادقی شاهدانی و مقصودی، ۱۳۸۹) و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و اعتماد تعمیم‌یافته در آن کمتر است (ترکرانی و حق‌ندری، ۱۳۹۵). چنین فقدان، سبب می‌شود که افراد در حصار نوعی محدودیت ارتباطی ناشی از سرمایه درون‌گروهی قرار گیرند و ارتباط عرضی و بین‌قومی شهروندان و آگاهی از حقوق شهروندی و رعایت حقوق دیگر گروه‌ها و تعهدات شهروندی صورت نیندد. چنین وضعیتی، نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی اجتماعی نسبت به دیگر گروه‌ها و طایفه‌ها به وجود می‌آورد. اینجاست که کارکردهای منفی سرمایه اجتماعی در فرهنگ شهروندی خود را نشان می‌دهد و انواع حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی، فرهنگی و جنسیتی افراد در جامعه نادیده گرفته یا نقض می‌شود. اوج این سرمایه اجتماعی در زمان کنش‌های سیاسی از جمله انتخابات درون‌استانی (شوراهای شهر-روستا و مجلس) ظهور می‌کند که اساساً بعدی منفی می‌یابد و پتانسیل توانمندساز خود را از دست می‌دهد. تأکید افراطی بر قوم‌مداری، رهاوردی جز «تکه‌تکه‌شدن» و «محدودیت رابطه‌ای» نداشته است. این تکه‌تکه‌شدن و محدودیت رابطه‌ای در استان لرستان، شهروندی و فرهنگ شهروندی را با مشکل مواجه کرده است؛ به طوری که در هنگام برگزاری انتخابات و کنش‌های سیاسی شهروندان، شاهد فئودالیسم قومی هستیم و ایجاد شغل هم تابع فئودالیسم اداری-قومی و شهروندی سیاسی-اداری مطابق ارتباطات طایفه‌ای است (قاسمی‌نژاد، ۱۳۹۷).

همچنین، شهروندی یک سلسله روابط نابرابر قدرت را پنهان می‌کند و شهروندی جنسیتی از منظر یک هویت اجتماعی خاص، یعنی هویت مردانه، تعریف می‌شود و به نفع آن عمل می‌کند؛ چنان‌که در موج سوم پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» (جوادی یگانه، ۱۳۹۴)، خانواده‌های لرستانی فرزند پسر را ترجیح می‌دهند و این نگاه جنسیتی در سن بالاتر مشهودتر است. این سبب شده که زنان به‌گونه‌ای ناتوان از انجام مسئولیت‌های شهروندی پنداشته شوند و امکان به‌رسمیت‌شناخته‌شدن و خودبیانگری از آنان سلب شود و از رسیدن به حقوق شهروندی‌شان و مشارکت در جامعه شهری بازمانند. علاوه بر این مسائل، مواجهه عناصر مدرن با جامعه مستقر کنونی، که تغییراتی در ساختار اجتماعی ایلی خود داشته است، مسئله فرهنگ شهروندی را با بحران مواجه کرده است. با توجه به مباحث ذکر شده، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که وضعیت فرهنگ شهروندی در استان لرستان چگونه است و عوامل مؤثر بر آن کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

مرور پیشینه تجربی تحقیقات در زمینه شهروندی پستوانه و زمینه‌ای برای پژوهش حاضر فراهم می‌آورد و پلی بین پژوهش‌های قبلی شهروندی و وضعیت فعلی آن برقرار می‌کند. تحقیقات متعددی به‌همت اندیشمندان داخلی و خارجی درباره شهروندی انجام گرفته که در ادامه به مهم‌ترین آنها پرداخته‌ایم.

شیانی (۱۳۸۱)، در بررسی وضعیت شهروندی، عوامل خرد مؤثر بر تحقق ایده شهروندی را آگاهی و شناخت افراد از امور مختلف، تجارب و مهارت‌ها، وضعیت رفاهی، نگرش فردی و حضور در عرصه‌های عمومی می‌داند. او عوامل کلان مؤثر بر تحقق ایده شهروندی را منابع و فرصت‌های مقتضی و بسترهای اجتماعی مناسب برای تحقق شهروندی و عناصر مهم شهروندی را تأمین نیازها و خواسته‌ها، آگاهی و آموزش، فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی و سیاسی معرفی می‌کند.

هاشمیان و گنجی (۱۳۸۸)، در تحلیل فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، میزان فرهنگ شهروندی را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. آنها عدم مشارکت اجتماعی را نتیجه بی‌اعتمادی اجتماعی یا فقدان فرهنگ مشارکت و رعایت‌نشدن قوانین را در اثر قانون‌گریزی جامعه ایرانی می‌دانند که در بستر تاریخ فرهنگی ایران شکل گرفته است. به‌علاوه، پایین‌بودن مسئولیت‌پذیری شهروندان را ناشی از فقدان نظام کنترل اجتماعی دقیق و نبود نظام پاداش و تنبیه مناسب می‌دانند.

یافته‌های مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳)، در بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی در شهر بوشهر، نشان داد که متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسئولیت‌پذیری و رسانه، بر ارتقای فرهنگ شهروندی تأثیر دارد. متغیرهای قانون‌مداری، منافع جمعی، عام‌گرایی، دسترسی به مراکز فرهنگی، درآمد و مسکن نیز رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته نشان نداد.

نیازی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به تبیین رابطه بین هویت‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پای‌بندی شهروندان به فرهنگ شهروندی در شهر تهران پرداخته‌اند. آنها دریافتند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین هر یک از متغیرهای هویت فردی، هویت اجتماعی و هویت ملی با میزان پای‌بندی به فرهنگ شهروندی برقرار است.

وصالی و موسوی (۱۳۹۵) در مطالعه میزان گرایش به شهروندی اجتماعی فعال و عوامل مؤثر بر آن در استان یزد دریافتند که میانگین نمره شاخص گرایش به شهروندی اجتماعی فعال برابر ۳/۴۵ است که از حد وسط طیف، کمی بالاتر است. میانگین نمره گرایش به شهروندی اجتماعی فعال در میان زنان نسبت به مردان به‌طور معناداری بالاتر است و با افزایش سطح تحصیلات، میزان گرایش به شهروندی اجتماعی فعال نیز افزایش می‌یابد.

ادوارد بن‌فیلد (۱۹۵۸) در بررسی فرهنگ شهروندی نشان داد که علت ضعف پیوستگی مردم به حوزه عمومی، رسوم پیشامدرن "جامعه عقب‌مانده" است و این موضوع محصول فردگرایی یا مدرن‌شدن نیست، بلکه نتیجه ظرفیت فراگیر یک نهاد اجتماعی خاص (خانواده) است که بازدهی نهادهای دیگر را هم کاهش می‌دهد.

نتایج پژوهش جین بیمن (۲۰۱۳)، در بررسی فرهنگ شهروندی، نشان داد که قومیت و نژاد اثر مهمی بر فرهنگ شهروندی مهاجران دارد. پایگاه اقتصادی-اجتماعی مهاجران بر میزان رعایت فرهنگ شهروندی مؤثر است. علاوه‌براین، اثر شبکه‌های اجتماعی بر خط، بر فعالیت مدنی تأثیر مهمی گذاشته است.

چانک ژاگ (۲۰۱۶)، در پژوهش خود، بر دو مقوله دانش مدنی و مشارکت مدنی و تأثیر رسانه بر فرهنگ شهروندی تأکید دارد. او معتقد است که رسانه‌ها می‌توانند اثر زیادی بر افزایش دانش مدنی و مشارکت مدنی افراد بگذارند و از این میان، اثر تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌ها بیش از بقیه است.

بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که میزان تحقق شهروندی در حد متوسط و متوسط رو به بالاست. جنبه توصیفی بیشتر این تحقیقات بر جنبه تبیینی غالب است. تعدادی از این تحقیقات به بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر فرهنگ شهروندی پرداخته‌اند و

آنچه در این تحقیقات مغفول مانده، عوامل اقتصادی و سیاسی است. متغیرهای مستقل مطالعه‌شده در اکثر این تحقیقات شبیه به هم هستند، که نشان می‌دهد از روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای اکتشاف متغیرهای جدید و منطبق با اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه استفاده چندانی نشده است و این سبب شده که بسیاری از این تحقیقات به دور از واقعیت انجام گیرد و کاربرد چندانی نداشته باشد. پژوهش حاضر، ضمن توجه به اکتشاف متغیرهای مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی، سعی دارد از سطح توصیف بالاتر آید تا به تبیین فرهنگ شهروندی در جامعه‌ای با ساختار ایلی و گرایش‌های قومی-طایفه‌ای بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

فرهنگ شهروندی مفهوم جدیدی است که بر پایه زندگی شهری در جوامع مدنی شکل گرفته است (کوهن و کندی، ۲۰۰۰). بررسی تعاریف فرهنگ شهروندی نشان می‌دهد که هنوز در زمینه تعریف آن اجماع وجود ندارد. چنان‌که جانوسکی و گرین (۱۹۹۸) فرهنگ شهروندی را عضویت فعال یا منفعل افراد در ملت-دولت با حقوق و تکالیف شمول‌گرایانه معین دانسته‌اند که در سطح مشخصی از برابری قرار دارد. هوسکینز^۱ و ماسچرینی^۲ (۲۰۰۹) نیز فرهنگ شهروندی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی قلمداد کرده‌اند که مشارکت فعال شهروندان با رعایت احترام به ارزش‌های دموکراتیک شهروندی و مسئولیت‌پذیری عام‌گرایانه را به‌دنبال دارد. مروری بر ادبیات مفهوم شهروندی نشان می‌دهد که این مفهوم به‌لحاظ نظری، در طول تاریخ، راه پرفراز و فرودی را سپری کرده است. در این مسیر، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی در میان اندیشمندان کلاسیک و معاصر مطرح شده است. تحلیل تاریخی-جامعه‌شناختی مارشال، نقطه شروعی برای مبحث شهروندی کلاسیک است؛ چنان‌که گفتمان‌های شهروندی، بعد از سال ۱۹۴۵، با تحلیل‌های جامعه‌شناختی مارشال دگرگون شد. کار مارشال مبتنی بر چشم‌اندازی از حقوق برابر برای طبقه کارگر در جوامع سرمایه‌داری است که از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی در بریتانیای قرن هجدهم تا بیستم الهام گرفته است (ترنر، ۲۰۰۶: ۶۶). او توسعه تاریخی شهروندی را با توسعه سرمایه‌داری ارتباط می‌دهد و مخصوصاً به توسعه حقوق شهروندی به‌منزله یک نظام برابر و توسعه سرمایه‌داری به‌مثابه نظامی نابرابر معتقد است. به باور مارشال، به‌طور کلی، ظهور حقوق مدنی عمدتاً در قرن هجدهم، حقوق سیاسی در قرن نوزدهم، و حقوق اجتماعی در قرن بیستم اتفاق افتاد (مارشال، ۱۹۶۴: ۷۴).

1. Hoskins
2. Mascherini

نظریه مارشال در حدود سه دهه بعد از آن، یعنی دهه ۱۹۷۰، بر اثر مشکلات اقتصادی، از جمله بیکاری و رکود، هدف انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران شهروندی و سیاست‌گذاران اجتماعی قرار گرفت (کارتال، ۲۰۰۱؛ ترنر، ۲۰۰۱؛ جانوسکی و گرین، ۲۰۰۲؛ پاتنام، ۱۹۸۹). این انتقادات بیشتر از جانب ایدئولوژی‌های راست افراطی، محافظه‌کاران و نئولیبرالیست‌ها مطرح شد. وجه مشترک انتقادات این بود که گسترش حقوق اجتماعی چیزی جز انفعال، وابستگی رفاهی به دولت، مشارکت ناچیز در تأمین رفاه، کاهش وابستگی به خانواده، و زوال شبکه روابط خصوصی به‌دنبال نداشته است (مید، ۱۹۸۶؛ دین، ۲۰۱۳).

ترنر، در طرح تکمیلی و تجربی خود، شهروندی را از ابعاد مختلف شکل اجتماعی شهروندی (بالا-پایین)، قلمرو اجتماعی شهروندی (حوزه عمومی-خصوصی)، گونه اجتماعی شهروندی (مشارکت فعال-منفعل)، و محتوای اجتماعی شهروندی (تکلیف‌محور-حقوق‌محور) تحت مذاقه قرار داده است (ترنر، ۱۹۹۴: ۲۱۰).

جانوسکی نیز، همانند ترنر، با بسط‌دادن نظریه مارشال، «شهروندی را عضویت فعال یا منفعل افراد در ملت-دولت^۱ با حقوق و تکالیف شمول‌گرایانه^۲ معین، که در سطح مشخصی از برابری است، می‌داند» (جانوسکی و گرین، ۱۹۹۸: ۸-۱۱). او با تفکیک عرصه خصوصی، که بیشتر بر حقوق بازار ناظر است، از عرصه عمومی، که با حوزه سیاست ارتباط دارد، به انواع حقوق شهروندی پرداخته است. حقوق و تعهدات شهروندی می‌تواند با عضویت فعال و منفعل شهروندان در جامعه همراه شود. شهروندی منفعل یعنی حق وجود داشتن و بهره‌مندی از حقوق، اما فعال بودن یعنی توانایی اثرگذاری بر سیاست‌ها. به‌زعم جانوسکی و گرین (۱۹۹۸)، شکل‌گیری شهروندی مستلزم سه عنصر آرمانی شهروند فعال (در عرصه خصوصی)، سازمان کارآ و اثربخش (در عرصه عمومی)، و حاکمیت خوب (در عرصه دولت) است و هرچه جامعه به‌سوی شهروندی فعال، سازمان کارآ و حاکمیت خوب پیش رود، به تحقق شهروندی نزدیک‌تر می‌شود.

روئستاین (۱۳۹۳) در نظریه دقیق خود، که چرایی برخی رفتارها و نگرش‌های شهروندی را تبیین می‌کند، بر نقش مهم نهادهای حکومتی و سیاسی در ایجاد و تداوم اعتماد دست می‌گذارد. استدلال اصلی او این است که اعتماد اجتماعی از پایین تولید نمی‌شود، بلکه از بالا تولید می‌شود. دقیق‌تر اینکه، نوع خاصی از نهادهای سیاسی هستند که اعتماد تولید می‌کنند. نهادهای حکومتی و خط‌مشی‌هایی که برابری سیاسی، حقوقی و اجتماعی تولید می‌کنند و بر اصول انصاف، صداقت و بی‌طرفی بنا شده‌اند، اعتماد به‌بار می‌آورند. بر مبنای منطق "کنش

1. Nation-State
2. Universalistic

جمعی^۱، شهروندان باید اعتماد داشته باشند که اکثر شهروندان به عوض "سواری مجانی"^۱، راه هم‌کاری در پیش می‌گیرند (روستاین، ۱۳۹۳: ۲۰). این دولت‌ها هستند که زمینه را برای ایجاد چنین موقعیتی فراهم می‌آورند. اعتمادنکردن به هم‌کاری دیگران، تمام بازیگران را در "دام اجتماعی"^۲ گرفتار می‌سازد. دام اجتماعی وضعیتی است که وقتی بهره‌ کوتاه‌مدت امری در اولویت قرار می‌گیرد، در درازمدت کنشگران زیان می‌کنند. به‌باور روستاین، برای هر شهروندی، عاقلانه است که مالیات و عوارض نپردازد، اما از خدمات شهری بهره‌برد. وقتی همگان یا اغلب افراد به این ترتیب عاقلانه عمل کنند، نتیجه‌ نهایی فلج‌شدن خدمات عمومی برای همگان خواهد بود.

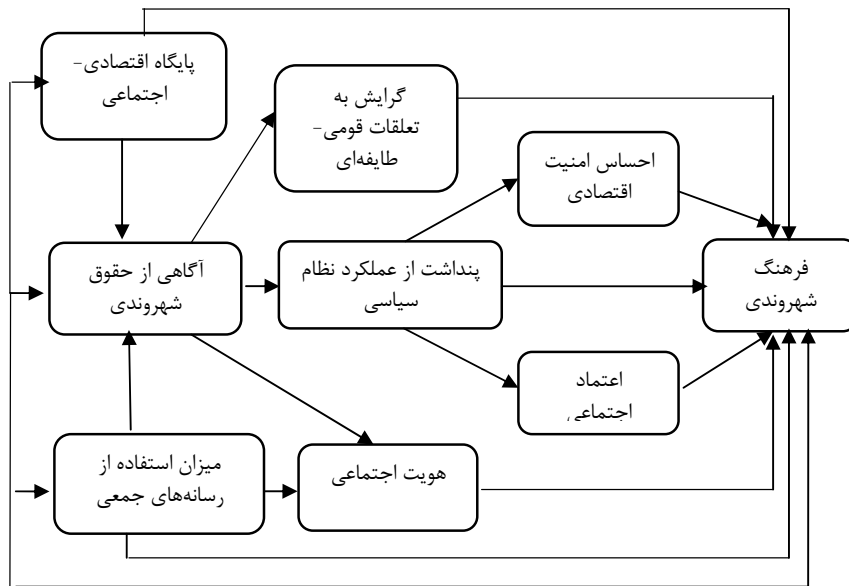
به‌طور کلی، چارچوب نظری این پژوهش، در وهله‌ اول، مبتنی بر نظریه‌ شهروندی ترنر است. ترنر شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی می‌داند که به افراد هویت رسمی و قانونی می‌دهد و موقعیتی برای شکل‌دادن به اجتماع جامعه‌ای فراهم می‌کند. ترنر رابطه‌ شهروندی با هویت را یک‌سویه در نظر می‌گیرد. در اینجا، پرسش این است که آیا این ارتباط ممکن است دوسویه باشد و آیا ابعاد هویت اجتماعی (ملی و قومی) می‌تواند با فرهنگ شهروندی نیز رابطه داشته و بر آن مؤثر باشد؟ ترنر در تکمیل و نقد نظریه‌ مارشال، علاوه‌بر ابعاد حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی و حقوق مدنی، به ابعاد اقتصادی و فرهنگی شهروندی نیز توجه دارد. بعد اقتصادی می‌تواند بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیر بگذارد و از آنها تأثیر بپذیرد. بعد اقتصادی، با ایجاد احساس امنیت در شهروندان و رفع نگرانی از آینده‌ مالی و شغلی در جامعه‌ تحت مطالعه، گرایش شهروندان را به مشارکت در امور شهری و احساس مسئولیت عام‌گرایانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. مخاطرات اقتصادی شدید سبب گرایش بیشتر شهروندان به وابستگی رفاهی می‌شود و به شهروندی اجتماعی شکل منفعلانه‌ای می‌دهد. هر اندازه مخاطرات اقتصادی کمتر باشد و شهروندان احساس امنیت اقتصادی بیشتری داشته باشند، رابطه‌ شهروندان (در عرصه‌ خصوصی) با حاکمیت خوب (در عرصه‌ دولت) بهتر شکل می‌گیرد و اثر متقابل آن تقویت فرهنگ شهروندی خواهد بود.

ترنر شهروندی اجتماعی، رفاهی و سیاسی را متکی بر شهروندی فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی می‌داند. او شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی-فرهنگی می‌داند که ضمن اینکه هویت رسمی و قانونی به آنها می‌دهد، موقعیتی برای شکل‌دادن به اجتماع جامعه‌ای نیز فراهم می‌سازد. افراد با عضویت در اجتماع سیاسی و با پای‌بندی به ارزش‌های فرهنگی خود، دوگانه‌ متقابل حقوق و تکالیف را راحت‌تر می‌پذیرند و زمینه‌ شهروند فعال مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر و قانون‌مند بهتر شکل می‌گیرد.

1. Free Riding
2. Social Trap

به منظور شناسایی عوامل مؤثر دیگر بر فرهنگ شهروندی، یکی از نظریاتی که نتایج مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته اکتشافی تحقیق نیز از آن پشتیبانی کرد، نظریه روستاین است. روستاین شکل‌گیری اعتماد را از بالا به پایین و نشئت گرفته از نهادهای حکومتی و سیاسی قلمداد می‌کند. فرض ما این است که فرهنگ شهروندی در چارچوبی نهادی و بر مبنای رابطه ای شکل می‌گیرد که بین فرد و نظام سیاسی و نیز نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی خدمت‌رسان در حوزه عمومی وجود دارد. همچنین، استنباط ما این است که اعتماد اجتماعی، هم شامل اعتماد افراد به یکدیگر است و هم اعتماد افراد به نهادهای حوزه عمومی را دربرمی‌گیرد که بسیار تحت تأثیر پنداشت افراد از عملکرد نظام سیاسی و اعتماد به صلاحیت و صداقت کنشگران سیاسی است و این با نظریه جانوسکی هم‌خوانی دارد. او شکل‌گیری فرهنگ شهروندی را نیازمند سه عنصر؛ یعنی شهروند فعال (در عرصه خصوصی)، سازمان کارآ و اثربخش (در عرصه عمومی) و حاکمیت خوب (در عرصه دولت)، می‌داند. جانوسکی بر نقش بازار و رسانه‌های جمعی در مرتبط کردن عرصه دولتی و عرصه خصوصی و نقش آنها در تضعیف یا تقویت فرهنگ شهروندی نیز تأکید می‌کند.

با توجه به توضیحات بالا و پیشینه تجربی، در نهایت، متغیرهای زمینه‌ای و پایگاه اقتصادی-اجتماعی به الگوی نظری ذیل جهت بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ شهروندی اضافه شد.



نمودار ۱. الگوی نظری عوامل مؤثر بر فرهنگ شهروندی

فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین احساس امنیت اقتصادی و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین هویت اجتماعی (قومی و ملی) و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین پنداشت از عملکرد نظام سیاسی و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی (بین‌فردی، تعمیم‌یافته و نهادی) و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
۸. به نظر می‌رسد فرهنگ شهروندی زنان و مردان متفاوت است.
۹. به نظر می‌رسد فرهنگ شهروندی بر حسب خاستگاه زندگی افراد (عشیره، روستا، شهر) متفاوت است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ جهت‌گیری، کاربردی، از نظر روش، کمی و از نظر طرح کلی پژوهش، پیمایشی است. ۸۵۲ نفر از میان ۱۱۶۰۶۵۴ نفر جمعیت افراد ۱۸ تا ۶۵ سال حجم نمونه تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. جهت تعیین حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری احتمالی چندمرحله‌ای^۱ استفاده شد؛ بدین صورت که در مرحله اول، به جای انتخاب افراد نمونه، از کل یازده شهرستان استان لرستان، تعداد کمتری برای نمونه‌گیری انتخاب شدند. ابتدا، شهرستان‌های استان، با توجه به سطح توسعه‌یافتگی، به سه سطح نسبتاً برخوردار (خرم‌آباد و بروجرد)، کمتر برخوردار (پلدختر، الیگودرز، دورود) و محروم (کوهدشت، نورآباد، الشتر، ازنا، رومشکان، دوره‌چگنی) تقسیم شدند و با توجه به تشابه نسبی سطح توسعه شهرستان‌های درون هر طبقه، از هر طبقه دو شهرستان به تصادف انتخاب شد که با این کار، شهرستان‌های خرم‌آباد، بروجرد، پلدختر، الیگودرز، کوهدشت و الشتر، به منزله شهرستان‌های منتخب از سه طبقه مزبور، در نمونه قرار گرفتند. سپس، از هر شهرستان یک شهر مرکزی و دو روستا برای نمونه‌گیری انتخاب شدند و در شهرها، با توجه به نقشه‌های شهری و نابرابری نسبی فضایی، تعدادی بلوک از هر منطقه برگزیده شد. در روستاها، با توجه به کمبود جمعیت و برابری فضایی، از این مرحله صرف‌نظر شد و دو یا سه بلوک به‌طور تصادفی برای نمونه‌گیری در نظر

1. Multi-Stage Probability Sampling

گرفته شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات تحقیق پرسش‌نامه محقق‌ساخته است که جزئیات آن در ادامه آمده است.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که مشارکت فعال شهروندان را با رعایت احترام به ارزش‌های دموکراتیک شهروندی و مسئولیت‌پذیری عام‌گرایانه به دنبال دارد (هوسکینز و ماسچرینی، ۲۰۰۹).

برای اندازه‌گیری، این سازه به سه مؤلفه "نگرش"، "مشارکت اجتماعی" و "ارزش‌ها و فضائل شهروندی" تقسیم شده است. مشارکت اجتماعی به دو بعد مشارکت رسمی و غیررسمی طبقه‌بندی شد و برای مؤلفه ارزش‌های شهروندی نیز دو بعد اخلاق دموکراتیک و احساس مسئولیت عام‌گرا در نظر گرفته شد و مؤلفه نگرش شهروندی در قالب ده‌گویه سنجیده شد.

احساس امنیت اقتصادی

احساس امنیت اقتصادی احساس ثابت کسی است که توانایی مالی و شغل مطمئن درآمدزایی دارد که نیازهای او را برطرف می‌کند و در مواقع خطر و تهدید، نگرانی شدیدی از آینده مالی نخواهد داشت (باجپایی، ۱۳۸۴: ۴۲). برای اندازه‌گیری این متغیر از معرف‌های "سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی بدون نگرانی"، "حمایت دولت و سازمان‌های حمایت‌کننده در صورت بیکاری یا ازکارافتادگی"، "وجود حداقل درآمد برای هزینه‌های زندگی"، "درمان‌بودن اموال مردم"، و "عدم کفاف درآمد برای مخارج با وجود حداکثر تلاش"، استفاده شد.

هویت قومی

هویت قومی نوعی شناخت از خود و احساس تمایز با دیگران است و به احساس وفاداری و افتخار به نمادهای قومی همچون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی اطلاق می‌شود (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸). برای سنجش مفهوم هویت قومی پنج معرف در نظر گرفته شد: "مهم‌بودن موسیقی محلی و استفاده از لباس‌های محلی"، "ترجیح زندگی کردن در منطقه خویش"، "میزان علاقه به مراسم محلی"، "گذاشتن اسم محلی بر فرزند خود" و "آموختن زبان قومی یا محلی به فرزند".

گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای

منظور از قوم‌گرایی، احساس تعلق به یک قوم و برتردیدن خویش و احساس ضایع شدن حقوق است که به تلاش برای کسب از دست‌رفته‌ها منجر می‌شود (کلاس،^۱ ۲۰۰۴: ۳). در این تحقیق، منظور از قوم‌گرایی، احساس تعلق و وفاداری به نشانگان قومی و التزام به پیگیری خواست‌های قومی است. منظور از طایفه‌گرایی در این مطالعه، گرایش به کنش‌ها و منش‌هایی است که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای طایفه‌ای، رفتار افراد را تعیین می‌کند.

برای سنجش متغیر قوم‌گرایی، از گویه‌های "برتردانستن اعضای قوم خود"، "دفاع کردن از هم‌قومی خود هنگام نزاع"، "نخست خود را لرستانی و سپس ایرانی دانستن"، "با زبان لری صحبت کردن"، "ازدواج فقط با یک لرستانی"، "احترام به آداب و رسوم قومی"، و "احساس خوب‌داشتن به فرهنگ و پیشینه گروه قومی" استفاده شد. برای سنجش طایفه‌گرایی نیز از این گویه‌ها بهره گرفته شد: "ازدواج با افراد طایفه خود"، "مشورت کردن صرفاً با اعضای طایفه خود"، "نفرت‌داشتن از حرف‌هایی که پشت سر هم‌طایفه‌ای زده می‌شود"، "در دسته‌های عزاداری فقط با هم‌طایفه‌ای خود سینه‌زنی کردن"، "ترجیح محل سکونت که اکثر هم‌طایفه‌ای‌ها در آن زندگی می‌کنند"، "رأی‌دادن در انتخابات با توجه به انتخاب بزرگان طایفه".

پنداشت از عملکرد نظام سیاسی

پنداشت (ارزیابی) درباره عملکرد نظام سیاسی، برداشت و جهت‌گیری کلی مثبت یا منفی نسبتاً پایدار شهروندان جامعه درباره صداقت، صلاحیت و عملکرد نظام سیاسی است (پناهی و بنی‌فاطمه، ۱۳۹۴). در این تحقیق برای این متغیر از معرف‌های "پنداشت درباب عملکرد مسئولان" و "پنداشت درباره موفقیت نظام سیاسی در حل مشکلات ده‌گانه" استفاده شده است.

اعتماد اجتماعی

«اعتماد اساس ارتباط عاطفی و تعلق اجتماعی مردم با یکدیگر و همچنین بین مردم و نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید. منظور از اعتماد، حسن ظن و اتکا به دیگری، اعم از کنشگر فردی یا جمعی، از حیث خیر در نیت (توجه به منافع دیگران و مراعات آن)، درستی در گفتار (اطلاعات صحیح) و راستی در کردار (عمل صحیح/ کارا) است» (چلبی، ۱۳۹۳: ۶۶). برای سنجش، این متغیر به سه مؤلفه اعتماد بین‌فردی، تعمیم‌یافته و نهادی تقسیم شد. سپس، برای سنجش شاخص کلی اعتماد اجتماعی، ابتدا نمره‌های مربوط به هر

1. Kellas

کدام از مؤلفه‌های آن با توجه به میانگین نمره‌های معرف‌های مربوط محاسبه شد و سپس، با محاسبه میانگین کلی نمرات افراد در این سه مؤلفه، شاخص اعتماد اجتماعی اندازه‌گیری شد.

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی از خویشتن دارد (براون، ۱۹۶۵: ۷۷۱). به‌منظور سنجش هویت اجتماعی، دو بعد هویت قومی و هویت ملی با هم ترکیب شده‌اند. برای سنجش مفهوم هویت ملی و هویت قومی، به‌ترتیب، هفت و پنج گویه در نظر گرفته شد که مطابق طیف لیکرت، با اختصاص نمره‌هایی به گزینه‌های خیلی کم (۱)، کم (۲)، تا حدودی (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) و همچنین کدگذاری مجدد گویه‌های ناهم سو، میزان هویت اجتماعی محاسبه شد.

میزان استفاده از رسانه‌های جمعی

رسانه‌های جمعی «مجموع فنون، ابزار و وسائلی را می‌سازند که از توانایی انتقال پیام‌های ارتباط حسی یا اندیشه‌ای در یک زمان به تعداد بسیاری از افراد و مخصوصاً در فواصل زیاد برخوردار باشند» (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۱۸). برای مطالعه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، دو مؤلفه میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و رسانه‌های خارجی در نظر گرفته شد. برای رسانه‌های داخلی، معرف‌های رادیو و تلویزیون داخلی و مطالعه روزنامه و مجله، و برای رسانه‌های خارجی، معرف‌های اینترنت، ماهواره و رادیوهای خارجی در نظر گرفته شد. با توجه به اینکه از افراد پرسیده شد معمولاً در طول شبانه‌روز چند ساعت از رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند، جمع نمرات افراد شاخصی به‌دست می‌دهد که در سطح سنجش نسبی قرار دارد و برای گزارش توصیفی می‌توان آن را به یک متغیر ترتیبی تبدیل کرد. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب آن برای فرهنگ شهروندی ۰/۷۶۸، پایگاه اقتصادی-اجتماعی ۰/۷۲۰، گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای ۰/۷۳۸، پنداشت از عملکرد نظام سیاسی ۰/۸۲۰، هویت اجتماعی (قومی و ملی) ۰/۷۴۴، و اعتماد اجتماعی ۰/۸۱۹ محاسبه شده است.

یافته‌های پژوهش

الف) سیمای پاسخگویان

یافته‌های حاصل از تحلیل آمار توصیفی توزیع جمعیت نمونه بر حسب شهرستان نشان می‌دهد که شهر خرم‌آباد (۱۹۳ نفر) با ۲۲/۷ درصد بیشترین و شهر پلدختر (۱۲۰ نفر) با ۱۴/۰۸ درصد کمترین

میزان حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. برحسب خاستگاه زندگی، ۶۱/۹۷ درصد پاسخگویان خاستگاه شهری، ۲۹/۹۲ درصد خاستگاه روستایی، و ۷/۲۷ درصد خاستگاه عشایری دارند. بر حسب جنسیت، مردان ۵۲/۲ درصد و زنان ۴۷/۸ درصد از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. توزیع گروه سنی نیز به این شکل است: ۳۶/۸۵ درصد از حجم نمونه بین ۲۶ تا ۳۵، و ۲۵/۵۹ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ سال دارند و بقیه جمعیت، یعنی ۳۷/۵۶ درصد، بیش از ۳۶ تا ۴۵ سال دارند. وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۶ درصد پاسخگویان متأهل، و ۴۰/۷ درصد مجردند و ۱/۸ درصد نیز طلاق گرفته‌اند یا همسرشان فوت کرده است. توزیع جمعیت بر حسب سطح تحصیلات نیز نشان می‌دهد که ۲۹/۵ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس، و ۲۲/۳ درصد دارای مدرک دیپلم هستند، ۲۲/۱۰ درصد جمعیت زیردیپلم‌اند، و ۱۱/۱ درصد نیز تحصیلات تکمیلی بالاتر از لیسانس و ۶ درصد نیز تحصیلات حوزوی دارند.

ب) توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

جدول زیر برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق (n=852)

متغیرها	کمینه واقعی (ابتدای طیف)	بیشینه واقعی (انتهای طیف)	حد وسط طیف	میانگین داده‌ها	انحراف معیار داده‌ها	کمینه داده‌ها (مشاهده شده)	بیشینه داده‌ها (مشاهده شده)
پنداشت از عملکرد نظام سیاسی	۱۴	۶۰	۳۷	۲۹/۰۶	۹/۳۸	۱۴	۶۰
احساس امنیت اقتصادی	۵	۲۵	۱۵	۱۱/۴۶	۳/۷۰	۵	۲۵
هویت قومی	۵	۲۵	۱۵	۱۷/۴۴	۴/۶۲	۵	۲۵
هویت ملی	۷	۳۵	۲۱	۲۶/۰۱	۳/۸۰	۸	۳۵
هویت اجتماعی	۱۲	۶۰	۳۶	۴۳/۴۶	۶/۴۶	۱۳	۶۰
اعتماد اجتماعی	۱۷	۸۵	۵۱	۴۹/۰۵	۹/۳۸	۱۷	۸۵
گرایش به تعلقات قومی - طایفه‌ای	۱۳	۶۵	۳۹	۳۵/۸۲	۷/۳۷	۸	۶۵

در اینجا، لازم است اشاره شود که برای ساخت مقیاس هر متغیر از طیف لیکرت و روش مجموع نمرات استفاده شده است. از آنجاکه تعداد گویه‌های متغیرها با یکدیگر برابر نیست،

دامنه تغییرات و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی آنها نیز متفاوت است؛ بنابراین، برای ارزیابی وضعیت هر متغیر لازم است مقادیر میانگین داده‌ها با حد وسط طیف متغیر مربوط به آن مقایسه شود. برای مثال، میانگین متغیر پنداشت از عملکرد سیاسی برابر ۲۹/۰۶ است که در دامنه ۱۴ (کمینه) تا ۶۰ (بیشینه) از حد وسط طیف، که برابر ۳۷ است، کوچک‌تر است. در ادامه، به توصیف متغیر وابسته (فرهنگ شهروندی) پرداخته شده است.

جدول ۲. برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای وابسته تحقیق (n=852)

مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی	کمینه واقعی (ابتدای طیف)	بیشینه واقعی (انتهای طیف)	حد وسط طیف	میانگین داده‌ها	انحراف معیار داده‌ها	کمینه داده‌ها (مشاهده شده)	بیشینه داده‌ها (مشاهده شده)
گرایش به مشارکت رسمی	۷	۳۵	۲۱	۲۳/۴۸	۵/۳۵	۷	۳۵
گرایش به مشارکت غیررسمی	۴	۲۰	۱۲	۳/۶۴	۱۳/۶۳	۴	۲۰
گرایش به مشارکت اجتماعی	۱۱	۵۵	۳۳	۳۷/۰۹	۷/۷۷	۱۱	۵۵
اخلاق دموکراتیک	۴	۲۰	۱۲	۱۰/۶۰	۳/۰۱	۴	۲۰
احساس مسئولیت عام‌گرا	۶	۳۰	۱۸	۲۴/۰۹	۴/۰۶	۶	۳۰
گرایش به ارزش‌ها و فضائل شهروندی	۱۰	۵۰	۳۰	۳۴/۶۹	۴/۳۳	۱۴	۴۷
نگرش شهروندی	۱۰	۵۰	۳۰	۳۸/۳۹	۵/۴۹	۱۳	۴۵
گرایش به فرهنگ شهروندی	۳۱	۱۵۵	۹۳	۱۰۸/۰۷	۱۲/۶۶	۵۲	۱۴۱

طبق جدول ۲، میانگین فرهنگ شهروندی در میان نمونه آماری برابر با ۱۰۸/۰۷ است؛ همچنین، کمترین میزان فرهنگ شهروندی برابر با ۵۲ و بیشترین مقدار برابر با ۱۴۱ است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان میانگین فرهنگ شهروندی مردان برابر با ۱۰۸/۲۳ و در میان زنان ۱۰۷/۹۰ است که نمره‌های نزدیکی است. میزان میانگین فرهنگ شهروندی در

میان کسانی که خاستگاه روستایی، عشایری و شهری دارند، به ترتیب، برابر با ۱۰۹/۶۷، ۱۰۵/۵۲ و ۱۰۷/۷۳۵ است. میانگین فرهنگ شهروندی در میان مجردها، متأهلان و کسانی که طلاق گرفته یا بدون همسرند، به ترتیب، برابر با ۱۰۶/۹۵، ۱۰۹/۰۹ و ۱۰۳/۴۲ است. بیشترین میزان میانگین فرهنگ شهروندی بر حسب شهر محل سکونت مربوط به شهرستان کوهدشت (۱۰۹/۶۶) و کمترین میزان میانگین مربوط به شهرستان خرم‌آباد (۱۰۵/۶۳) است. نتایج توزیع پاسخگویان بر حسب فرهنگ شهروندی به ترتیب ۱۳/۱ درصد در حد کم، ۴۱/۱ درصد در حد متوسط و ۴۵/۷ درصد در حد زیاد بوده است.

ج) آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌های ۱ تا ۷: رابطه بین متغیرهای مستقل با فرهنگ شهروندی

جدول ۳. نتایج آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل با فرهنگ شهروندی بر اساس آزمون آری پیرسون

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آری پیرسون	سطح معناداری	جهت رابطه	شدت رابطه	نتیجه فرضیه
۱. پایگاه اقتصادی-اجتماعی	فرهنگ شهروندی	۰/۰۲۲	۰/۵۱۲	منفی	-	عدم تأیید فرضیه
۲. گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای		۰/۱۴۳**	۰/۰۰۰	مثبت	متوسط	تأیید فرضیه
۳. احساس امنیت اقتصادی		۰/۱۱۲**	۰/۰۰۱	مثبت	متوسط	تأیید فرضیه
۴. هویت اجتماعی		۰/۴۱۳**	۰/۰۰۰	مثبت	قوی	تأیید فرضیه
۵. پنداشت از عملکرد نظام سیاسی		۰/۰۹۳*	۰/۰۰۷	مثبت	ضعیف	تأیید فرضیه
۶. اعتماد اجتماعی		۰/۳۳۵**	۰/۰۰۰	مثبت	متوسط	تأیید فرضیه
۷. استفاده از رسانه‌های جمعی		-۰/۰۳۹	۰/۲۸۱	منفی	-	عدم تأیید فرضیه

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۵۱۲)، بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی شهروندان با فرهنگ شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد. بین گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای با فرهنگ شهروندی با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (۰/۰۰۰) رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه مثبت و شدت رابطه بین دو متغیر متوسط است؛ بدین معنی که با افزایش تعلقات قومی-طایفه‌ای افراد، میزان فرهنگ شهروندی

آنها افزایش پیدا خواهد کرد؛ عکس این قضیه نیز صادق است. بین احساس امنیت اقتصادی با فرهنگ شهروندی با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون ($0/001$) رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه مثبت و شدت رابطه بین دو متغیر در حد متوسط است؛ بدین معنی که با افزایش احساس امنیت اقتصادی افراد در جامعه، میزان فرهنگ شهروندی آنها افزایش پیدا خواهد کرد؛ همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون ($0/000$)، بین هویت اجتماعی با فرهنگ شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه مثبت و قوی است؛ بدین معنی که با افزایش هویت اجتماعی افراد در جامعه، میزان فرهنگ شهروندی آنها افزایش پیدا خواهد کرد؛ همچنین عکس این قضیه نیز صادق است. بین پنداشت از عملکرد نظام سیاسی با فرهنگ شهروندی با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون ($0/007$)، رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه مثبت و شدت رابطه بین دو متغیر در حد ضعیف است؛ بدین معنی که هرچه پنداشت از عملکرد نظام سیاسی مثبت تر باشد، میزان فرهنگ شهروندی افزایش پیدا خواهد کرد و عکس این قضیه نیز صادق است. بین اعتماد اجتماعی با فرهنگ شهروندی با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون ($0/000$) رابطه معناداری وجود دارد. نوع رابطه مثبت و متوسط است؛ بدین معنی که با افزایش اعتماد اجتماعی افراد میزان فرهنگ شهروندی آنها افزایش پیدا خواهد کرد و عکس این قضیه نیز صادق است. در آخر، با توجه به سطح معناداری آزمون پیرسون (برابر با $0/281$)، بین استفاده از رسانه‌های جمعی با فرهنگ شهروندی رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد فرهنگ شهروندی زنان و مردان متفاوت است.

آزمون تی برای مقایسه میانگین یک متغیر در دو نمونه مستقل، یا مقایسه میانگین دو گروه مستقل به کار می‌رود که هر کدام در معرض یک متغیر متمایز قرار گرفته‌اند. از آنجاکه مستقل بودن گروه‌ها، یکسان بودن واریانس دو گروه و عادی بودن توزیع داده‌ها تأیید شد، آزمون تی مستقل را برگزیدیم.

جدول ۴. نتایج آزمون تفاوت میزان فرهنگ شهروندی بر حسب جنسیت (طبق آزمون تی مستقل)

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	جنسیت	متغیر وابسته	متغیر مستقل
عدم تأیید فرضیه	۰/۳۴۳	۱۲/۸۰	۱۰۷/۹۰	۴۰۷	زن	فرهنگ شهروندی	جنسیت
		۱۲/۵۴	۱۰۸/۲۳	۴۴۵	مرد		

با توجه به نتایج آزمون تی و سطح معناداری به دست آمده (۰/۳۴۳)، می توان گفت که بین میانگین نمرات فرهنگ شهروندی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه ۹: به نظر می رسد فرهنگ شهروندی پاسخگویان بر حسب خاستگاه زندگی آنها متفاوت است.

از آنجاکه متغیر وابسته فاصله ای است و متغیر مستقل خاستگاه زندگی (روستایی، عشایری و شهری) در سطح اسمی و گروه ها مستقل از یکدیگر است و واریانس آنها نیز برابر و توزیع داده ها عادی است، از تحلیل واریانس یک طرفه جهت آزمون فرضیه استفاده شده است.

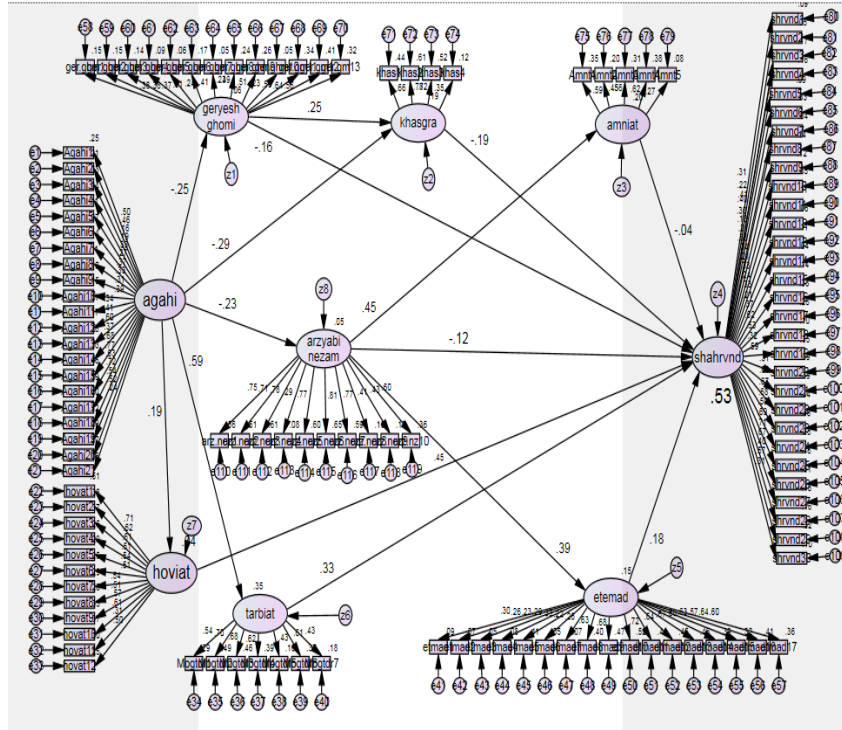
جدول ۵. نتایج آزمون تفاوت میزان فرهنگ شهروندی بر حسب خاستگاه زندگی (بر اساس آزمون اف)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	خاستگاه اجتماعی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار اف	سطح معناداری
خاستگاه زندگی	فرهنگ شهروندی	روستا	۲۲۰	۱۰۹/۶۷	۱۱/۳۶	۳/۴۳۴	۰/۰۳۳
		عشایر	۶۷	۱۰۵/۵۲	۱۳/۲۳		
		شهر	۵۵۸	۱۰۷/۳۵	۱۳/۱۴		

طبق نتایج جدول ۵ و مطابق با یافته های آزمون اف، با توجه به سطح معناداری که برابر با ۰/۰۳۳ و کمتر از سطح خطای مفروض (۰/۰۵) است، می توان گفت که فرض تفاوت میانگین گروه ها تأیید و در مقابل، فرض یکسانی آنها رد می شود؛ بدین معنی که همه یا دست کم یک گروه از نظر میانگین نمره با بقیه فرق دارد. میزان میانگین فرهنگ شهروندی در میان کسانی که خاستگاه روستایی دارند (۱۰۹/۶۷)، اندکی از میانگین افراد شهری (۱۰۷/۳۵) بیشتر است و این مقدار نیز اندکی از میانگین فرهنگ شهروندی عشایر (۱۰۵/۵۲) بیشتر است.

د) تحلیل مسیر مطابق الگوی معادلات ساختاری

در ادامه، تلاش شده تا با استفاده از مزیت الگویابی ساختاری، ارتباط علی متغیرهای پژوهشی با یکدیگر و روابط هر یک از آنها با سوالات مربوط به خود بررسی شود.



شکل ۱. الگوی تبیین فرهنگ شهروندی طبق متغیرهای پیش‌بین و میانجی‌گر

مطابق شکل ۱، آگاهی از حقوق شهروندی به‌طور مستقیم، ضریب تأثیر استاندارد برابر با $0/25$ ، $-0/23$ ، $-0/19$ و $-0/20$ بر متغیرهای گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای، ارزیابی عملکرد نظام سیاسی، هویت اجتماعی و خاص‌گرایی دارد که همه این ضرایب معنادارند. گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای تأثیری معنادار به‌میزان $0/25$ و $-0/16$ بر خاص‌گرایی و فرهنگ شهروندی دارد. همچنین، ضریب تأثیر خاص‌گرایی بر فرهنگ شهروندی برابر با $-0/19$ ، تأثیر هویت اجتماعی بر فرهنگ شهروندی برابر با $0/45$ ، تأثیر اعتماد اجتماعی بر فرهنگ شهروندی برابر با $0/18$ ، تأثیر پنداشت از عملکرد نظام سیاسی بر احساس امنیت اقتصادی برابر با $0/45$ ، و تأثیر پنداشت از عملکرد نظام سیاسی بر اعتماد اجتماعی برابر با $0/39$ است که جمگی ضرایب از معناداربودن روابط حکایت دارند. همچنین، ضریب تأثیر احساس امنیت اقتصادی بر فرهنگ شهروندی برابر با $-0/04$ و ضریب پنداشت از تأثیر عملکرد نظام سیاسی بر

فرهنگ شهروندی برابر با ۰/۱۲- بود که ضرابی غیرمعنادارند. در بررسی روابط غیرمستقیم، نتایج نشان داد که آگاهی از حقوق شهروندی با میانجی‌گری گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای دارای تأثیری برابر با ۰/۰۶ بر فرهنگ شهروندی است. ضریب تأثیر آگاهی از حقوق شهروندی با میانجی‌گری ارزیابی عملکرد نظام سیاسی بر فرهنگ شهروندی برابر با ۰/۰۳ بود که معنادار محسوب نمی‌شود. آگاهی از حقوق شهروندی با میانجی‌گری هویت اجتماعی دارای ضریب تأثیر معناداری برابر با ۰/۰۹ بر فرهنگ شهروندی بود. افزون‌براین، آگاهی از حقوق شهروندی با میانجی‌گری خاص‌گرایی دارای ضریب تأثیری برابر با ۰/۰۶ بر فرهنگ شهروندی بود. در نهایت، پنداشت از عملکرد نظام سیاسی با میانجی‌گری احساس امنیت اقتصادی تأثیر معناداری بر فرهنگ شهروندی نداشت و پنداشت از عملکرد نظام سیاسی با میانجی‌گری اعتماد اجتماعی بر فرهنگ شهروندی تأثیری برابر با ۰/۰۷ داشت که معنادار است. در مجموع، متغیر آگاهی از حقوق شهروندی با میانجی‌گری متغیرهای موجود در الگو می‌توانند ۵۳ درصد از واریانس کلی فرهنگ شهروندی را تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

متطابق یافته‌های این پژوهش، میانگین نمره فرهنگ شهروندی در استان لرستان با توجه به شاخص‌های ایجادشده نسبتاً بالاست، اما وضعیت نمره‌ها در زمینه متغیرهای مستقل تحقیق متفاوت است و یافته‌ها از نامطلوب‌بودن متغیرهای اعتماد اجتماعی، پنداشت از عملکرد نظام سیاسی و احساس امنیت اقتصادی در میان شهروندان حکایت دارد. یافته‌های الگوی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار آموس نیز نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای تحقیق ۵۳ درصد از واریانس کلی متغیر وابسته فرهنگ شهروندی را تبیین می‌کنند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان‌دهنده رابطه معنادار و مثبت گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای با فرهنگ شهروندی است. نتیجه این بخش از پژوهش، با نظریه ارزش‌ها و حقوق فرهنگی شهروندی ترنر و با نتایج پژوهش امان‌الهی بهاروند (۱۳۸۵)، ترکارانی (۱۳۹۳)، و بهرامی (۱۳۹۷) هم‌سو و با نتیجه پژوهش شیانی (۱۳۸۱) ناهم‌سو است.

ترنر شهروندی اجتماعی، رفاهی و سیاسی را متکی به شهروندی فرهنگی و ارزش‌های فرهنگی می‌داند. او شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی-فرهنگی می‌داند که ضمن اینکه هویت رسمی و قانونی به شهروندان می‌دهد، موقعیتی برای شکل‌دادن به اجتماع جامعه‌ای نیز فراهم می‌آورد. افراد با عضویت در اجتماع سیاسی و با پای‌بندی به ارزش‌ها و احساس تعلق که به ارزش‌های فرهنگی خود دارند، دوگانه متقابل حقوق و تکالیف را بهتر

می‌پذیرند و بستر مناسب‌تری برای تولید شهروند مشارکت‌جو، مسئولیت‌پذیر و پای‌بند به قانون شکل می‌گیرد.

با توجه به اینکه پیشینه نظام اجتماعی و فرهنگی استان لرستان مبتنی بر ساختار اجتماعی ایلی-طایفه‌ای و قوم‌مداری است، گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای می‌تواند بسیاری از تحولات اجتماعی، مناسبات سیاسی و فرهنگ شهروندی را تعیین کند. به عبارت دیگر، گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای به‌منزله حزب سیاسی، عامل حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی در جامعه تحت مطالعه عمل می‌کند و موجب تقویت سرمایه اجتماعی و درون‌گروهی -خانواده، اقوام نزدیک، دوستان و آشنایان- می‌شود و افزایش مشارکت سیاسی (در زمان انتخابات مجلس و شوراهای شهر) و مشارکت اجتماعی غیررسمی (در مراسم و آداب محلی از قبیل عزا و عروسی) را نیز همراه می‌آورد.

علاوه‌براین، یافته این پژوهش (دراین باره که با بالا رفتن هویت قومی و تعلقات طایفه‌ای، فرهنگ شهروندی افزایش می‌یابد) با تحقیقات و دیدگاه‌های رایج قبلی، از قبیل پژوهش شیانی (۱۳۸۱) مغایر است. دیگر اینکه، واقعیت فرهنگ شهروندی در لرستان مسئله‌مند نشان داده شده است، ولی یافته‌های تحقیق که پس از سال‌ها در این منطقه انجام شده، حاکی از وضعیت کاملاً مثبت در زمینه فرهنگ شهروندی است. علت این مغایرت را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که در جامعه لرستان با ضعف فرهنگ شهروندی یا فقدان فرهنگ شهروندی مواجه نیستیم و احتمالاً گذر از زندگی سنتی به سمت زندگی مدرن، همراه با تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان به سمت هویت و فرهنگ مدنی بوده که اقتضای حیات اجتماعی مدرن است. این مسئله را به ساختار و بافت سنتی و ماهیت جامعه‌ای با گرایش قومی-طایفه‌ای نیز می‌توان مرتبط دانست. این ساختار به تقویت بنیان‌های جمع‌گرایی کمک می‌کند که با رویکرد جمهوری‌خواهی نیز هم‌خوانی دارد و این موجب اتحاد و هم‌گونی از یک‌طرف، و انسجام در ذهنیت افراد از سوی دیگر می‌شود. اثر متقابل آن، مشارکت درون‌گروهی و احترام به حقوق یکدیگر را افزایش می‌دهد. ذهنیت افراد در اثر گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای، حس تعلق خاطر، درگیری عاطفی-احساسی و روانی ایجاد می‌کند. این ذهنیت و اثر آن، هم به مسئولیت‌پذیری رسمی و هم به مسئولیت‌پذیری غیررسمی منجر می‌شود. البته، گمانه‌زنی در این زمینه نیازمند تحقیقات عمیق‌تر و دقیق‌تری است، تحقیقاتی که تمرکز خود را بر مطالعه کیفیت و نوع شهروندی در لرستان قرار دهند.

میانگین فرهنگ شهروندی کسانی که خاستگاه زندگی آنها روستایی است، در قیاس با کسانی که خاستگاه زندگی شهری دارند، بیشتر است. شاید این نتیجه نیز برعکس تصور اولیه

باشد. بیشتر بودن میزان فرهنگ شهروندی کسانی که خاستگاه روستایی دارند می‌تواند این‌گونه تبیین شود که با مدرن شدن و شهری شدن جامعه، هنوز نهادهای مدرن، با وجود نفوذ و جاذبه، نتوانسته‌اند جایگزینی برای پیوندهای خویشاوندی و سنتی باشند. در این وضعیت، افراد ترجیح می‌دهند، به جای آنکه به پیوندهای مدرن و مشارکت با این نهادها اعتماد کنند، در پی تقویت و تداوم پیوندهای خویشاوندی خود و ثبات و تداوم طایفه و روابط ناشی از آن باشند. همچنین، باید به نقش سنت و عرف نیز، به‌مثابه اندام تنظیم‌کننده امور در روستاها در قیاس با شهرها، اشاره کرد. در روستاها هنوز طایفه، گروه‌های اجتماعی و سنت‌ها نقش پررنگ‌تری دارند. در روستاها، یک‌دستی و تعاملات اجتماعی مبتنی بر روابط خویشاوندی سبب تقویت اعتماد، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و مشارکت غیررسمی افراد در زمینه‌های مختلف می‌شود. در مناطق روستایی، به دلیل قوی بودن روح جمعی، جنبه حقوق‌تنبیهی قوی‌تر است و هر فردی که از عرف و هنجارهای مرسوم تخطی کند، با مجازات غیررسمی مواجه می‌شود. در نتیجه، افراد سعی می‌کنند از آداب‌ورسوم حاکم تخطی نکنند یا تخطی کمتری نشان دهند. با افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها و افزایش جمعیت در شهرها، با عدم یک‌دستی و تنوع گروهی بیشتری مواجهیم که از احساس تعلق خاطر و پای‌بندی به شهر محل سکونت در شهروندان می‌کاهد. علاوه بر این، در شهرها چون تغییرات جامعه در گذار از سنت به مدرن شدیدتر و بیشتر است، فرهنگ شهروندی هنوز به‌خوبی نهادینه نشده است. در نتیجه، نوعی بی‌سامانی و تضاد نیروهای اجتماعی با نهادهای مدرن در شهرها دیده می‌شود که ادغام شهروندان و مشارکت آنها را با مشکل مواجه می‌کند. همچنین، باید به نقش و کارکرد قوانین به‌مثابه اندام تنظیم‌کننده امور و سامان اجتماعی در شهرها اشاره کرد. در روستا، این نقش بر عهده عرف، باورها و سنت‌های محلی است، در حالی که قوانین این نقش را در شهر برای سامان اجتماعی و تنظیم امور به‌خوبی ایفا نمی‌کنند.

مطابق یافته‌ها، متغیر اعتماد اجتماعی با فرهنگ شهروندی رابطه معنی‌دار و مثبتی دارد. روستائین اعتماد نهادی و اعتماد به نظام سیاسی را زمینه‌ساز تقویت فرهنگ شهروندی دانسته است. نتیجه این بخش از پژوهش نیز با یافته‌های بخش کیفی پژوهش وصال و موسوی (۱۳۹۵) با عنوان «بیگانگی از دولت» هم‌سو است. آنچه در توضیح می‌توان گفت، آن است که در استان لرستان، سطح نسبتاً بالایی از محرومیت و نابرابری در نتیجه نظام توسعه «دولت‌محور» به‌وجود آمده است. تلقی و ارزیابی شهروندان از عملکرد نهادهای دولتی آن بوده است که دولت باید بسیاری از مشکلات و مسائل را حل کند. سیاست‌گذاری دولت‌ها

«نیازمحور»^۱ بوده و سبب شکل‌گیری این باور شده است که باید دستی نامرئی و خارج از توانایی افراد نیازها را رفع کند. برنامه دولت‌ها القای نیازهایی بود که شعار داده می‌شود نه نیازهایی که از دل جامعه برآمده باشد. بیگانگی برنامه‌های دولت با نیازهایی که جامعه احساس می‌کند، هم‌دردی متقابل و اعتماد بین کارگزاران توسعه و شهروندان لرستان را کم‌رنگ کرده است. در حقیقت، از یک سو، دولت خود را کارگزار اصلی توسعه می‌داند و از سوی دیگر، در اثر رواج این نگرش در میان شهروندان، نیروی خوداتکایی، هم‌کاری و تعاون همه‌جانبه نیز به سردی می‌گراید. از آنجا که نقش دولت در جامعه تحت مطالعه به مواقع خاصی از قبیل انتخابات و مشارکت سیاسی مردم و مشارکت صورتی محدود شده است و دولت نتوانسته به شعارها و وعده‌هایش جامه عمل بپوشاند، نتیجه مستقیم و انکارناپذیر این وضعیت ارزیابی منفی از عملکرد دولت و کارگزاران دولتی و بی‌اعتمادی نهادی بوده است.

یافته‌ها رابطه معنادار مثبت و قوی‌ای بین متغیر هویت اجتماعی با فرهنگ شهروندی را نیز نشان دادند که با نظریه ترنر هم‌خوانی دارد. ترنر شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی می‌داند که به افراد هویت رسمی و قانونی می‌دهد و موقعیتی برای شکل‌دادن به اجتماع جامعه‌ای فراهم می‌کند. می‌توان در تکمیل نظریه ترنر گفت که ارتباط شهروندی و هویت می‌تواند دوسویه باشد و ابعاد هویت اجتماعی (ملی و قومی)، ضمن تقویت جنبه‌های غیررسمی، بر شکل‌گیری و تقویت فرهنگ شهروندی نیز مؤثر است. او در نقد و تکمیل نظریه مارشال، به بعد اقتصادی شهروندی توجه دارد که نتایج این پژوهش نقد منصفانه و درست ترنر به مارشال را نیز تأیید می‌کند.

در این پژوهش، احساس امنیت اقتصادی رابطه‌ای معنادار و مثبت با فرهنگ شهروندی دارد. نتایج این فرضیه، با پژوهش ادواردز و گلور (۲۰۰۱) و نتایج پژوهش وصالی و موسوی (۱۳۹۵) هم‌سو است. احساس امنیت اقتصادی یا نداشتن نگرانی شدید مالی و شغلی در آینده، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در گرایش شهروندان به مشارکت در امور شهری و داشتن احساس مسئولیت عام‌گرایانه ایفا کند. مخاطرات اقتصادی شدید باعث شده که بسیاری از اقشار ضعیف جامعه گرایش بیشتری به وابستگی رفاهی داشته باشند و شهروندی اجتماعی در چنین وضعیتی، شکل منفعلانه‌تری به خود گرفته است. در حقیقت، می‌توان گفت هر اندازه مخاطرات اقتصادی کمتر باشد و شهروندان احساس امنیت اقتصادی بیشتری داشته باشند، رابطه شهروندان (در عرصه خصوصی) با حاکمیت خوب (در عرصه دولت) بهتر شکل می‌گیرد و اثر متقابل آن تقویت فرهنگ شهروندی خواهد بود.

در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی با فرهنگ شهروندی رابطه معناداری ندارد. این یافته با تحقیقات مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳)، و وصالی و موسوی (۱۳۹۵) مغایر است. نتیجه این قسمت را می‌توان طبق این نظریه بوردیو تبیین کرد که زنان و مردان طبقات یکسان، از نظر ذائقه و سلیقه، تفاوت چندانی با هم ندارند. در حقیقت، جامعه لرستان جامعه‌ای با طبقات مختلف نیست و تفاوت‌های طبقاتی شهروندان آن اندازه نیست که بتواند در فرهنگ شهروندی آنها تغییری ایجاد کند.

منابع

- آزادارمکی، تقی، مجتبی ترکرانی، و ایرج حق‌ندری (۱۳۹۳) «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری»، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۱: ۹-۳۴.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۵) «تکامل فرهنگ در زاگرس میانی»، *جشنواره تمدن و جاذبه‌های تاریخی طبیعی زاگرس*، بیستم‌اردیبهشت ماه: ایلام
- اوکلی، پیترو و دیوید مارسدن (۱۹۹۴) *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*، ترجمه منصور محمدنژاد، تهران: جهاد سازندگی.
- باجپایی، کانتی (۱۳۸۴) *امنیت انسانی: مفهوم و سنجش*، ترجمه صابر شیبانی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بویبو، نوربرتو (۱۳۷۶) *لیبرالیسم و دموکراسی*، ترجمه بابک گلستانی، تهران: چشمه.
- بهرامی، ولی، علی‌اکبر تاج‌مزیانی، و حسین امیری (۱۳۹۵) «تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهرستان پلدختر)»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۳۲: ۸۲-۱۱۶.
- بهرامی، اردشیر (۱۳۹۷) *فرهنگ، توسعه و خودکشی در غرب ایران*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پناهی، محمدحسین و سمیه‌السادات بنی‌فاطمه (۱۳۹۴) «فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان»، *علوم اجتماعی*، شماره ۶۸: ۳۵-۷۸.
- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج سوم (۱۳۹۴) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح ملی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۸۸) «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان»، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۳: ۱۳۳-۱۵۹.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۹۳) *مواجهه نظام ایلی با توسعه در لرستان*، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- ترکرانی، مجتبی و ایرج حق‌ندری (۱۳۹۵) «بررسی فراز و فرود سرمایه اجتماعی در لرستان با استفاده از تحلیل ثانویه پیمایش ملی سرمایه اجتماعی»، در: دومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی ایران، ششم مهرماه، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- توسلی، غلام‌عباس و سید محمود نجاتی حسینی (۱۳۸۳) «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۵: ۶۱-۸۰.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۲) *جامعه‌شناسی ایران، جامعه کژمدرن*، تهران: علم.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۴) *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج سوم)*، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلیبی، مسعود (۱۳۹۳) *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
- روستاین، بو (۱۳۹۳) *دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد*، ترجمه لادن رهبری و همکاران، تهران: آگه.
- مرادی، علی و احسان عارفیان (۱۳۹۴) «سیمای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان لرستان»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان، *آموزش و پژوهش توسعه و آینده‌نگری*، شماره ۵۱۴: ۲۱-۵۶.
- شعبانی، احمد، و محمد سلیمانی (۱۳۸۷) «سنجش و رتبه‌بندی سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال دوم، شماره ۲: ۹۵-۱۱۹.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱) «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۳: ۲۱-۴۱.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) *وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران*، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیانی، ملیحه، و طاهره داودوندی (۱۳۸۹) «تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره دوم، شماره ۵: ۳۵-۶۰.
- صادقی شاهدانی، مهدی، و حمیدرضا مقصودی (۱۳۸۹) «سنجش سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی»، *دانش سیاسی*، سال ششم، شماره ۲: ۱۳۹-۱۷۶.
- صفری شالی، رضا، و کرم حبیب‌پورگتایی (۱۳۹۱) *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*، تهران: لویه.
- عبدی‌پور، اکرمی و ایرج حق‌ندری (۱۳۹۵) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد»، دومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی ایران، قم.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳) *سنجش سرمایه اجتماعی کشور*، تهران: دفتر طرح ملی.
- غفاری، غلامرضا، و کرم حبیب‌پورگتایی (۱۳۹۳) *سیاست اجتماعی: بنیان‌های مفهومی و نظری*، تهران: دانشگاه تهران.

- غیاثوند، احمد (۱۳۹۰) گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل مؤثر بر آن، رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فاطمی‌نیا، سیاوش، و سیامک حیدری (۱۳۸۷) «عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی»، *رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸: ۴۱-۶۴.
- فطرس، محمدحسن، و محمود بهشتی‌فر (۱۳۸۵) «تعیین سطوح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و نابرابری درآمدی بین آنها در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، *نامه اقتصاد*، دوره دوازدهم، شماره ۲: ۴۵-۶۲.
- قاسمی‌نژاد، ابودر (۱۳۹۷) «قوم‌گرایی افراطی و زوال سلامت اجتماعی در لرستان»، *رشتاک*، شماره ۳: ۱۰-۳.
- کلدی، علیرضا، و نگار پوردهناد (۱۳۹۱) «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، *مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۴: ۲۹-۵۸.
- کریم‌زاده، علی، سیدفؤاد علوی و علی احمدی‌راد (۱۳۹۲) «آسیب‌شناسی مسائل قومی در جامعه ایران (بررسی موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)»، *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر*، سال هفتم، شماره ۲۰: ۵۳-۸۰.
- گزارش مرکز ایران (۱۳۹۴) دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری، تهران: نشر آمار.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵) «آموزش شهروندی ملی و جهانی با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان»، *نوآوری آموزشی*، شماره ۱۷: ۱۱-۴۴.
- مالجو، محمد (۱۳۸۱) «حقوق شهروندی و تامین اجتماعی»، *مجلس و پژوهش*، شماره ۳۳: ۵۲-۶۸.
- محسنی تبریزی، علیرضا، و مجتبی صدقاتی‌فرد (۱۳۹۰) «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌ودوم، شماره ۳: ۱-۲۲.
- محکی، علی‌اصغر (۱۳۹۳) «شهروند ارتباطی و رویکرد شبکه‌ای: نگاهی نو به فرهنگ شهروندی»، تهران: نشست انجمن روابط عمومی ایران. پنجم آذرماه، پژوهشگاه فرهنگ هنر
- موسوی، سیدمحسن (۱۳۹۵) گرایش به شهروندی اجتماعی فعال و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه‌ای در استان یزد، رساله دکتری رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱) *درآمدی بر مشارکت اجتماعی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مهدوی، سید محمدصادق و علی عاشوری (۱۳۹۳) «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ششم، شماره ۴: ۲۳-۳۶.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳) *واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران*، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- نیازی، محسن (۱۳۹۴) *جامعه‌شناسی شهروندی*، تهران: سخنوران.

- نیازی، محسن، مرتضی جعفرپور برزکی، و الهام شفاهی مقدم (۱۳۹۳) «تبیین رابطه بین هویت‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پای‌بندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره ۴: ۷۱-۸۵.
- وصالی، سعید، و سیدمحسن موسوی (۱۳۹۵) «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به شهروندی اجتماعی فعال (مورد مطالعه: استان یزد)»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶: ۱۳۹-۱۷۳.
- هاشمیان‌فر، سیدعلی، و محمد گنجی (۱۳۸۸) «تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۳۳: ۲۵-۴۴.
- هزارجریبی، جعفر، و رضا صفری شالی (۱۳۹۰) «بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی»، *نظم و امنیت/انتظامی*، سال سوم، شماره ۳: ۱۵۷-۱۸۴.
- یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶) «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، *رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶: ۱۰۵-۱۳۰.
- یوسفی، علی، و مزگان عظیمی هاشمی (۱۳۸۷) «احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴: ۳-۲۳.
- Banfield, Edward (1958) *The Moral Basis of a Backward Society*, Glencoe. IL: Free Press.
- Beaman, J. (2013) *French in the Eyes of Others: Cultural Citizenship, Marginalization, and France's Middle Class North African Second-Generation*, European University Institute, Max Weber Program, Italy, EUI Working Paper
- Brown, R. (1965) *Social psychology*, NY: free press
- Cohen, R. & Kennedy, P. (2000) *Global Sociology*. London: Mcmillan.
- Dean, H. (2013) *Welfare Rights and Social Policy*, London: Routledge.
- Edwards, R. & Glover, J. (2001) *Risk and citizenship*, London and New York: Routledge.
- Hoskins, B. L. & Mascherini M. (2009) "Measuring Active Citizenship through the Development of a Composite Indicator", *Soc Indic Res*, No.90: 459-488.
- Chank, J. (2016) *Citizenship as cultural: Towards a theory of cultural citizenship*, Chicago: University of Chicago Press.
- Janoski, T. & B. Gran (2002) *Handbook of Citizenship Studies*, Landon: sage publications.
- Janoski, T. (1998) *Citizenship and Civil Society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kartal, Filiz (2001) "Liberal and republican conceptualization of citizenship: a theoretical inquiry", *Administration Annual*, Vol.27-28: 101-130.

- Kellas, J., G. (2004) *The politics of nationalism and ethnicity*, London: Macmillan.
- Keman, Hans. (1999) *Citizenship and Welfare State Reform in Europe*, London: Routledge.
- Kivisto, P. & Faist, T. (2005) *Citizenship: Discourse, Theory, and Transnational prospects*, Blackwell Publishing.
- Marshall, T. H (1964) *Citizenship and Social Class*, Essays by Garden City, NY: Doubleday.
- Marshall, T.H. (1964) *Class, Citizenship and Social Development*. Chicago: University of Chicago Press.
- Mead, L. (1986) *Beyond Entitlement*. New York: Free Press.
- Pakulski, J. (1997) "Cultural citizenship", *citizenship studies*, vol.1, no.1: 73-86.
- Pateman, C. (1989) *the Disorder of Women Democracy, Feminism and Political Theory*, Cambridge, Polity Press.
- Rose, L. (2005) "Citizen (re)orientations in the welfare state", in: *Citizenship and Welfare State Reform in Europe*, Jet Bussemaker (ed), London: Routledge.
- Turner B. (1986b) "Personhood and Citizenship Theory", *Culture and Society*, vol. 3 no. (1): 1-16.
- Turner, B. (1994) "Outline of a theory of citizenship", in B. Turner, ed. and P. Hamilton (eds), *Citizenship*. London: Routledge.
- Turner, B. (1986a) *Citizenship and Capitalism*. London: Allen Unwin.
- Turner, B. (2006) *The Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge University Press.
- Turner, B. S. (2001) "The erosion of citizenship", *British Journal of Sociology*, Vol.52: 189-209.
- Waldron, J. (1981) *Theories of Rights*. Oxford: Oxford University Press.